

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین یوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Political

afgazad@gmail.com

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۲۴ فبروری ۲۰۱۵

شکست ستراتیژی غرب و تفوق اسد در سوریه

غرب و کشور های متکی به واشنگتن در شرق میانه در از پا درآوردن بشر اسد در حال کنونی به شکست مواجه شده اند. ما تغییرات بارزی در روش غرب نسبت به بحران سوریه مشاهده می نمایم. اسد توانست در مقابل غرب و عمال داخلی و منطقه ای آن ایستادگی نماید و موفقانه مخالفان را منزوی سازد. البته تا زمان انهدام کامل نیرو های متکی به اجانب، اسد راه درازی در پیش دارد، لکن عقب نشینی غرب خصوصاً امریکا از مواضع قبلی می تواند برای نظام اسد و حواریونش یک نوع پیروزی تلقی گردد. این فقط قدرت نظامی کوچک سوریه نیست که سبب گردیده نظام اسد در رویارویی با مخالفان در موقف بهتری قرار گیرد. تحلیلگران امور سوریه معتقدند که تشتت و نا هم آهنگی میان قدرت های بین المللی و عربی و مخالفان سوریه باعث شده است که بشر اسد با مهارت از پراگندگی جهانی و مخالفان داخلی طور چشمگیری بهره جوید. درین مضمون، سعی می نمایم دلایل موفقیت نسبی اسد و ناکامی مخالفان و شکست ستراتیژی غرب و کشور های عرب مورد حمایت امریکا را مورد ارزیابی قرار دهم. از نظر گاه اینجانب، شش علت در موفقیت نسبی اسد قابل تأمل است.

اول: اسد در سطح جهانی حامیانی دارد که در مواقع خطیر از سوریه حمایت می نمایند. کشور های روسیه، ایران، چین، هند و ونزیوئلا پشتیبان سوریه در سطح جهانی اند. همچنان دولت ضعیف عراق و گروه حزب الله لبنان بدون تعلل حمایت خود را از اسد اعلام داشته اند. لکن هیچ یک از این کشور ها عمال خود را در سوریه نفرستاده اند تا مانند مزدوران غرب وارد جنگ گردند، ازینرو شهرت اسد و نظامش صدمه ندیده است. اما روسیه و چین بار ها قطعنامه های شورای امنیت را که از جانب غرب حمایت می شود، رد نموده و جلو حملات امریکا و انهدام نظام اسد را گرفته اند. نماینده ملل متحد در امور سوریه به اسم دی میستورا حال نظر می دهد که بشر اسد باید جزئی از راه های حل برای بحران سیاسی سوریه باشد. این اظهاریه نماینده ملل متحد ناکامی غرب و موفقیت اسد را تداعی می کند. بدون تردید که میستورا از خود حرف نمی زند، بلکه نظرات قدرت های جهانی را ارائه می دارد که دلایل و علل مهمی را در عقب خود دارد. نقش بی رقیب امریکا در ملل متحد غیر قابل انکار است و هیچ نظر مهم در ملل متحد بدون تأیید و رد امریکا صادر نمی شود. این یک خبر عادی نیست وقتی که یک فردی مانند اسد خلاف آرزوی امریکا و متحدینش در شرق میانه برای حفظ و تحکیم سلطه اش تا

آخرین رمق حیات می جنگد و مقاومت می کند، اکنون از سوی عالیتزین مرجع جهانی از او برای ثبات سوریه و رفع بحران و تشنج دعوت می شود. روش هشیارانه اسد در داخل و دیپلماسی زیرکانه اش در سطح جهانی به آن معنا است که طرح اسد در شکست مخالفانش کم و بیش مثمر ثمر بوده است؟

دوم: اردوی کوچک اما با انضباط سوریه سرسپردگی خود را کلاً به اسد اعلام داشته است. وحدت نیروهای نظامی سوریه و اطاعت آنها از رهبران علوی، نظام اسد را از خطر سقوط آنی نجات بخشیده است. اردوی سوریه متشکل از علوی ها، دروز ها، بورژوازی سنی، مسیحان و سایر اقلیت ها است که در صورت شکست نظام اسد، نابودی خود را در افق مشاهده می کنند، لذا با تمام قوت پشت سر اسد ایستاده اند. رهبری اردوی سوریه در دست اقلیت علوی است که هم نژاد و هم کیش فامیل اسد اند. همچنان کمک های لوژیستیکی و استخباراتی متخصصین روسی و ایرانی که سلاح و مهمات و اطلاعات کافی در اختیار آنها قرار می دهند و مساعدت نظامی حزب الله لبنان، اسد را در رویارویی با مخالفان یاری داده و به تداوم نظامش کمک شده اند. در جریان چهار سال جنگ داخلی، توانائی رزمی و مهمات اردوی سوریه که برای مقابله با تجاوزات اسرائیل آمادگی می گرفت، به تحلیل رفته که این یک حادثه مسرت آور برای اسرائیل بوده است. روسیه و ایران سعی می نمایند سلاح از دست رفته سوریه را جبران نمایند، اما جریان جنگ و خرابی راه ها ارسال کمک را بطی ساخته است. اردوی سوریه با روحیه عالی و متکی به نفس برای حمایت کشور و حفظ حاکمیت ملی سوریه می جنگند در حالی که گروه های مخالف مزدور اجانب برای انهدام سوریه کمر بسته اند.

سوم: نظام اسد توانسته در جنگ استخباراتی علیه گروه های مخالف دست بالا داشته باشد. دستگاه استخباراتی اسد در داخل گروه مخالف رخنه نموده و تضاد های درونی آنها را شدت بخشیده است. چند پارچگی و از هم گسیختگی نیرو های مخالف وابسته به اجانب و و مؤثریت فعالیت استخباراتی، نظام اسد را توانائی بیشتری بخشیده تا در میدان کارزار ابتکار را از مخالفان بر باید. وابستگی مخالفان به کشورهای مختلف که هر یک منافع خاص خود را در جنگ داخلی سوریه تعقیب می نمایند، قوت آنها را در نبرد علیه اردوی سرسپرده اسد تقلیل بخشیده و حیثیت آنها را منحیث دست نشاندگان اجانب صدمه زده است. قطر، ترکیه، عربستان، اردن، برتانیه، فرانسه، امریکا، هر یک از گروه خاصی در جنگ سوریه حمایت می نمایند که تصادم منافع را میان مخالفان اسد خلق نموده و ضعف نظامی و لوژیستیکی آنها را آشکار ساخته است.

چهارم: نظام اسد توانست جنگ علیه خود را به جنگ ضد تروریسم تبدیل کند. قدرت هائی که مخالفان اسد را در نابودی سوریه یاری می دادند، اکنون مسیر جنگ را علیه داعش تغییر داده و در یک صف با اسد قرار گرفته اند. تقلائی که در گذشته برای سرنگونی نظام اسد می شد، اکنون به دعوت از او برای درهم کوبیدن تروریسم مبدل گشته است. نقاطی که قبلاً مخالفان اسد خواستار بمباران آن جا ها بودند که از آنها طیارات جنگنده سوریه بر می خاست، حالا در دست داعش است که زیر بمباران حملات هوائی غرب قرار دارند. همکاری نیرو های سوریه با نیرو های خارجی حامی مخالفان اسد در درهم کوبیدن داعش آغاز شده است. مهارت سیاسی و نظامی اسد او را به یک رهبر پیروزمند در منطقه تبارز داده و از احتمال رسیدن به سرنوشت صدام و قذافی عجالتاً نجات یافته است. شخص اسد مانند یک ستراتیژیست ماهر با احساس میهن دوستی و از خود گذشتگی در نزد مردمش عرض اندام نموده و روی همین دلیل قادر خواهد شد که دوران ریاست جمهوری خود را تا سال ۲۰۲۱ بدون مانع به پایان برساند، مگر این که یک حادثه غیر مترقبه برایش اتفاق بیفتد.

پنجم: رقابت و درگیری در داخل فرقه سنی مذهبیان حامی مخالفان اسد نیز گسترش یافته است. برخورد منافع بین عربستان و مصر، بین عربستان و امارات، بین ترکیه و عربستان و قطر فضای سیاسی و نظامی سوریه را به نفع اسد تغییر داده است. جای تعجب این که نظرات مشترک اردن با نظام اسد به ارتباط تروریسم این دو کشور را در صف واحد مبارزاتی قرار داده است. مغفلیت حوادث در سوریه و منطقه و نا هم آهنگی نظامی میان کشور های عربی تابع غرب در مقابله با اسد، واشگتن، پاریس و لندن را در حال گیچی قرار داده و به نظام در هم کوبیده علوی اسد جان تازه ای بخشیده است. بدون تردید که مخالفان اسد به موفقیت هائی نایل شده اند، اما نظام اسد تا حال ظرفیت مبارزاتی خود را برای عقیم ساختن نیرو های متکی به اجانب نه تنها از دست نداده، بلکه به طور قابل توجه هم افزایش داده است. تاکتیک و ستراتیژی اسد در بحران تحمیلی سوریه، در مجموع توطئه های غرب را در سرنگونی نظامش تا اندازه ای خنثی ساخته اما خطر آن کاملاً رفع نشده است.

ششم: نظام اسد توانست موفقانه بحران سوریه را صادر کند و کشور های جنگ افروز و حامی مخالفان را در مضیقه بزرگ سیاسی و امنیتی قرار دهد. صدور بحران سوریه به کشور های همسایه بر مبنای تعلقات نژادی و مذهبی، امنیت ترکیه، اردن و عراق را به مخاطره افکنده و غرب را از عواقب آن در هراس انداخته است. شورشیانی که با نظام اسد در جنوب شرقی سوریه می جنگند، با قبایل سنی در غرب عراق تعلقات خونی و نژادی دارند. این قبایل مدت هاست که با رژیم شیعه مذهب بغداد که بعد از تجاوز امریکا به عراق در اریکه قدرت نشست، در کشمکش خونین قرار دارند. همچنان اسد با اعطای خود مختاری به کرد های سوریه، درد سر بزرگی برای ترکیه خلق نموده است. این ستراتیژی زیرکانه اسد، ترکیه را در یک دو راهی خطرناکی پرتاب نموده که گریز از آن کار ساده به نظر نمی رسد. ترکیه با واقعیت دیگری هم مواجه شده است: **علویان ترکیه.** ترکیه متوجه شده است که در پهلوی معضله کرد ها، حمایت از مخالفان سوریه باعث قهر و غضب علویان ترکیه خواهد شد که نفوس شان به نیم میلیون نفر بالغ می شود. همچنان ورود پناه گزینان سوری به ترکیه و اردن و نتایج امنیتی و لوژیستیکی ناشی از آن، باعث شده که این دو کشور در حمایت خود از مخالفان سوریه دوبار بیندیشند. وسعت و صدور بحران سوریه، طرح غرب را در انهدام نظام اسد بی اعتبار جلوه داده و اسد را در موضع بهتری در تقابل با مخالفان قرار داده است.

بن بست در سوریه به دلیل رقابت های ستراتیژیک در سطح جهانی و منطقه ئی ادامه خواهد یافت. نظام خود کامة اسد با طرح تاکتیک و ستراتیژی سنجیده همراه با اشتباهات سیاسی و نظامی مخالفان وابسته به اجانب تا کنون توانسته است حیات خونبار خود را تداوم ببخشد. بحران لبنان برای اسد یک درس آموزنده است که چطور می توان با جنگ وستیز و بحران همیشگی به حیات سیاسی پر از خطر ادامه داد و بقاء کرد. تا زمانی که تغییرات عمده ای در صحنه سیاسی جهان پدید نیاید، بحران سوریه به زودی رفع نخواهد شد. نظام خود کامة اسد باید بداند که هنوز از خطر سقوط نجات نیافته و مؤلفه های تأثیر گذار ناپدید نشده اند. بنابراین، شرایط جهانی آنقدر به مفاد سوریه پیش نمی رود که اسد بتواند در آن به آسانی شنا کند. اسد باید تغییرات کیفیتی در نظام خود وارد کند و از خود کامگی به یک نظام همه جانبه عوض شود و همه طبقات و اقشار کشور خود را در یک مجمع بزرگ ملی بپذیرد. اسد باید حقوق انسانی همه افراد را محترم شمارد و زمینه را برای رشد فکری و مادی کلیه اتباع کشور مهیا گرداند. اسد باید از رئیس جمهور علویان به رئیس جمهور همه مردم

سوریه مبدل شود و هویت محلی و قبیله ئی خود را به هویت ملی تغییر دهد. آنگاه شاید اسد بتواند از اضمحلال کشورش جلوگیری نماید و از سرنوشت مرگبار صدام و قذافی فرار کند.